Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 6/ No. 1/ 2019
Page: 49-63

# The relationship between family emotional climate with emotional self-regulation and resilience in university's students

**Fereshteh Saberi Fard[1], Fatemeh Hajiarbabi[2]**

1-Master of Consultation, Joyandegan saadat mental healt center, Islamic azad university neyshabur branch, Neyshabur, Iran. ORCID: 0000-0001-9990-9430
2-Assistant professor, Psychology, Kavian institute of higher education, Mashhad, Iran (Corresponding Author). ORCID: 0000-0002-8878-9215 E-mail: Arbabi.f777@yahoo.com

**Received:** 09/10/2018 **Accepted:** 12/01/2019

## Abstract

**Introduction:** Identifying the factors related with the affective family climate are among the most important family psychological research goals.

**Aim:** This study was conducted with the aim of examining the relationship of affective family climate with emotional self-regulation and resiliency of students. The statistical population of this research consisted of all the students of Azad University of Mashhad who were busy studying during the educational year of 2017-2018.

**Method:** The method of this research was descriptive of correlational type. The research sampling was done using stratified sampling and included 150 students. Research instrument consisted of three questionnaires of affective family climate (Hill Berne, 1964), emotional self-regulation questionnaire (Hoffman and Kashdan, 2010) and resiliency questionnaire (Cutter and Davidson, 2003). The data were analyzed using Pearson correlation test and multivariate regression.

**Results:** The findings showed that, affective family climate is significantly correlated with emotional self-regulation and resiliency ($P<0.05$).

**Conclusion:** According to the findings, it can be stated that, regulation of emotions and resiliency are two important variables that are associated with the affective family climate in the students.

**Keywords:** Affective family climate, Emotional self-regulation, Resiliency, Students

**How to cite this article:** Saberi Fard F, Hajiarbabi F. The relationship between family emotional climate with emotional self-regulation and resilience in university's students. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2019; 6 (1): 49-63 .URL :http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-558-fa.pdf

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]

[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال ششم، شماره ۱، ۱۳۹۸
صفحات: ۶۳-۴۹

# رابطه جو عاطفی خانواده با خود تنظیمی هیجانی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد

**فرشته صابری فرد[۱]، فاطمه حاجی اربابی[۲]**

۱. کارشناسی ارشد مشاوره، مرکز سلامت روان جویندگان سعادت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران.
۲. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه اموزش عالی کاویان، مشهد، ایران (مولف مسئول). ایمیل: Arbabi.f777@yahoo.com

**تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۷/۰۷/۱۷ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

## چکیده

**مقدمه:** شناسایی عوامل مرتبط با جو عاطفی خانواده از مهم‌ترین اهداف پژوهشی روان‌شناسی خانواده است.

**هدف:** این پژوهش با هدف بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خود تنظیمی هیجانی و تاب‌آوری دانشجویان انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند.

**روش:** روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه پژوهش با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام پذیرفت و شامل ۱۵۰ دانشجو بود. ابزار پژوهش شامل سه پرسشنامه جو عاطفی خانواده (هیل برن، ۱۹۶۴)، پرسشنامه خود تنظیمی هیجانی (هافمن و کاشدان، ۲۰۱۰) و پرسشنامه تاب‌آوری (کاتر و دیویدسون، ۲۰۰۳) بوده است. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد، جو عاطفی خانواده با خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری ارتباط معناداری دارد ($P<۰/۰۵$).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت، تنظیم هیجانات و تاب‌آوری دو متغیر مهمی هستند که با جو عاطفی خانواده در دانشجویان مرتبط است.

**کلید واژه ها:** جو عاطفی خانواده، خودتنظیمی هیجانی، تاب‌آوری، دانشجویان

تمامی حقوق نشر براي دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

**مقدمه**

یکی از نهادهای اولیه در نظام انسانی، خانواده است. به عبارتی خانواده نشان دهنده یک سیستم است که هر یک از اعضای آن نسبت به دیگری دارای وظایفی هستند (مینوچین، ریتر و بوردا[1]، ۲۰۱۳). اعضای خانواده در نهایت دارای نقش‌هایی می‌شوند که الگوهای رفتاری آن‌ها متأثر از گذشته و تحول‌هایی بوده است که در سیستم خانواده بوده است. یکی از عضوهای مهم خانواده فرزندانی هستند که وارد دانشگاه می‌شوند و به تحصیل می‌پردازند. پس از ورود آن‌ها به دانشگاه، تأثیراتی را بر گروه دوستان می‌گذراند و از طرفی نیز تأثیر می‌پذیرند.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر رفتار فرزندان، جو عاطفی خانواده است. برای اینکه وظایف اصلی خانواده یعنی حمایت از فردیت یابی و در عین حال حس تعلق بین اعضاء خانواده و همچنین بیرون از خانواده ایجاد شود، خانواده باید دارای ساخت کارآمد و خودکفایی باشد (مینوچین، ریتر و بوردا، ۲۰۱۳). در بحث تیپ‌شناسی خانواده‌ها می‌توان چهار نمونه را مورد بررسی قرار داد:

الف) خانواده بی‌کفایت[2]: این خانواده‌ها نمی‌توانند از عهده مقابله با مسائل معمولی که در زندگی خانوادگی پیش می‌آید، برآیند. این نوع خانواده در برابر مشکلات و اتفاقات، اشتباهات زیادی می‌کند و به خاطر ویژگی‌هایی که داراست، دچار مشکلات زیادی می‌گردد و نمی‌تواند به کودکان خود احساس سلامت و امنیت بدهد، یا اینکه نمی‌تواند یک راهنمای کافی برای رشد شایستگی‌های ضروری آن‌ها باشد .ب) خانواده آشفته[3]: در هر سطح اجتماعی- اقتصادی می‌توان والدینی را پیدا کرد که به علت بی‌ثباتی شخصیتی به طریقی با مردم رفتار می‌کنند که برای آن‌ها مخرب است، همان‌گونه که برای خود چنین هستند. والدینی که دارای شخصیت‌های مخرّب و غیرعادی هستند، ممکن است خانه را در یک اضطراب عاطفی ثابت و دائمی نگه دارند. این خانواده‌ها موجب بروز اختلالات روانی در میان فرزندان خود می‌شوند .ج) خانواده‌های ضد اجتماعی[4]: در این خانواده‌ها والدین به‌طور آشکار یا نهان رفتاری را نشان می‌دهند که مغایر با استانداردها و علایق جامعه است و ممکن است شکل نادرستی را در برخورد با قانون پیدا کند. چنین ارزش‌های اجتماعی معمولاً روابط خانوادگی و زوجی را مختل می‌کند و مدل‌های نامعقول را برای بچه فراهم می‌کند. فرزندان در چنین خانواده‌هایی ممکن است به دروغ گفتن و تقلب و رفتارهای نامعقول دیگر تشویق شوند. د) خانواده‌های از هم گسیخته[5]: یعنی خانواده‌ای که کامل نیست، چه در نتیجه طلاق یا شرایط دیگر (نجارپور استادی و خدیوی، ۱۳۸۷).

حال با توجه به تیپ‌های مختلف در جو خانواده، می‌توان گفت که هرکدام از آن‌ها احتمالاً اثرات متفاوتی را بر بروندادهای رفتاری، هیجانی و شناختی فرزندان و اعضای آن می‌گذراند. پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که جو عاطفی خانواده یک عامل مهم در شکل‌گیری هیجانات افراد خانواده و میزان تحمل آن‌ها در مقابل فشارهای روانی و آشفتگی‌ها است. به عنوان مثال رایکس و تامسون[6] (۲۰۰۶) گزارش کردند که جو مثبت عاطفی درون خانواده می‌تواند عاملی جهت پیش بینی دانش هیجانی

[1] Minuchin, Reiter, & Borda
[2] inadequate family
[3] disturb family
[4] antisocial family
[5] disrupted family
[6] Raikes, & Thompson

کودکان آن خانواده باشد. علاوه بر آن هالتبرگ، هنری و موریس[1] (۲۰۱۲) گزارش کردند جو خانوادگی با تاب‌آوری و تحمل افراد خانواده ارتباط نزدیکی دارد. پس بر همین اساس متغیرهای مورد بررسی جهت ارتباط با جو عاطفی خانواده در این پژوهش خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری است.

نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که محیط خانواده با خودتنظیمی هیجانی ارتباط دارد (تروسپر، بازلا، بنت و اهرنریچ[2]، ۲۰۰۹)، بنابراین با توجه به پژوهش‌های ذکر شده، دو متغیر مورد بحث در این پژوهش جهت بررسی ارتباط آن‌ها با جو عاطفی خانواده، تنظیم هیجان و تاب‌آوری است. منظور از مهارت تنظیم هیجان این است که فرد بیاموزد که چگونه هیجان‌های خود را در موقعیت‌های گوناگون تشخیص دهد و آن را ابراز یا کنترل کند؛ به عبارت دیگر دشواری تنظیم هیجانی عبارت است از دشوار بودن یا ناممکن بودن مقابله با تجربه هیجان و یا پردازش آن. دشواری تنظیم هیجانی می‌تواند به صورت تشدید بیش از حد هیجان و یا غیرفعال شدن بیش از حد هیجان تظاهر کند. تشدید بیش از حد هیجان شامل هرگونه افزایش در شدت هیجان است که فرد مربوطه آن را ناخواسته، مزاحم، مستأصل کننده، یا دردسرساز می‌انگارد (لی هی و ناپولیتانو، ۲۰۱۱، به نقل از منصوری راد، ۱۳۹۲).

استراتژی‌های تنظیم هیجان بر رشد شخصیتی، هیجانی، شناختی و اجتماعی دلالت دارند. وقتی این عوامل تحت تأثیر قرار بگیرند در رشد و نگهداری اختلالات هیجانی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند. در حقیقت مفهوم تنظیم هیجان بسیار گسترده است و حوزه وسیعی از فرایندهای هشیار و ناهشیار روان‌شناختی، رفتاری و شناختی را در برمی‌گیرد (گروس[3]، ۲۰۰۲). یکی از نظریه پردازان مطرح در این زمینه به نام گروس (۱۹۹۸) اعتقاد دارد که هیجانات می‌توانند تغییر کند و این تغییر چیزی است که پاسخ عاطفی نهایی را تعیین می‌کند.

علاوه بر تنظیم هیجان، والش[4] (۲۰۱۵) نشان داد تجربیات تجربیات درون خانوادگی با تاب‌آوری ارتباط دارد؛ بنابراین متغیر دوم مورد بررسی جهت ارتباط با جو عاطفی خانواده، تاب‌آوری است. ماستن، کوتلی، هربر و رید[5] (۲۰۰۹) تاب‌آوری را یک فرآیند، توانایی، یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز علی‌رغم شرایط تهدیدکننده تعریف نموده‌اند در واقع تاب‌آوری سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است. تاب‌آوری عاملی است که باعث انعطاف پذیری و مقابلهٔ مؤثر با عوامل و موقعیت‌های استرس زا می‌شود. تاب‌آوری صرف مقاومت منفعل در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست. بلکه فرد تاب آور، مشارکت‌کننده فعال و سازنده محیط پیرامونی خود است. تاب‌آوری قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی – روانی – معنوی، در مقابل شرایط مخاطره‌آمیز است (کانر و دایویدسون[6]، ۲۰۰۳). افراد خود تاب آور دارای رفتارهای خودشکنانه نیستند؛ از نظر عاطفی آرام هستند و توانایی تبدیل شرایط استرس‌زا را دارند (بلاک و فوندر، ۲۰۰۵، به نقل از نریمانی و عباسی، ۱۳۸۸).

در زمینه، ارتباط جو عاطفی خانواده، خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری پژوهش‌هایی انجام شده است. عباسی، درگاهی، کریمی و درگاهی (۱۳۹۳) پژوهشی را با هدف

[1] Houltberg, Henry, & Morris
[2] Trosper, Buzzella, Bennett & Ehrenreich,
[3] Gross
[4] Walsh
[5] Masten, Cutuli, Herbers,& Reed
[6] Conner , & Davidson



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

بررسی روابط خانوادگی، کیفیت زندگی و تاب‌آوری بین دانش آموزان مبتلا به اختلال نقص توجه / بیش فعالی و دانش آموزان عادی انجام دادند. آن ها نشان دادند با توجه به روابط خانوادگی بهتر می‌توان کیفیت زندگی و تاب‌آوری را در اختلال بیش فعالی پیش بینی کرد. حسینی و سامانی (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان، ارتباط ابعاد کارکرد خانواده و خودتنظیمی فرزندان، انجام دادند. یافته‌ها نشان دادند که پاسخ‌دهی عاطفی پیش‌بینی کننده فراشناخت فرزندان بود و نقش‌ها قابلیت پیش‌بینی شناخت فرزندان را دارد، هم‌چنین کارکرد هیجانی خانواده پیش‌بینی کننده انگیزش فرزندان است. همچنین، خداجوادی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان، رابطه کارکرد خانواده و تاب‌آوری در برابر مصرف مواد در دانش آموزان پسر دبیرستانی مدارس پرخطر انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد، پاسخ‌دهی عاطفی خانواده با تاب آوری ارتباط دارد.

در مطالعاتی دیگر، تروسپر، بازلا، بنت و اهرنریچ (۲۰۰۹) نشان دادند بین جو خانوادگی و تنظیم هیجانی ارتباط وجود دارد. همچنین آن ها نتیجه گرفتند که می‌توان با توجه به جو عاطفی خانواده و آموزش‌های مهارت های خودتنظیمی هیجانی، عملکرد فرد را افزایش داد و همچنین می‌توان از اختلالات روانی همچون اضطراب و استرس پیشگیری کرد. آماتیا، اسمیت-آدکوک و ویلارس[1] (۲۰۰۶) پژوهشی را با هدف بررسی نقاط ضعف و قوت خانواده در تبیین تاب‌آوری در کودکان خانواده انجام دادند. آن‌ها در پژوهش خود گزارش کردند نقص خانوادگی می‌تواند تاب‌آوری را کاهش دهد. در واقع نتایج آن‌ها گویای این بود که خانواده و جو عاطفی آن مکانی است جهت آماده سازی کودکان برای رو به رو شدن با چالش‌های آینده آن‌ها. پولکی، ارواست و هاپونن[2] (۲۰۰۵) نشان دادند جو خانوادگی پیش بینی کننده راهبردهای تاب‌آوری در خانواده است. همچنین آن ها استنباط کردند که جو خانوادگی پیش بینی کننده راهبردهای مقابله با استرس در آینده برای کودکان است. علاوه بر آن می‌توان نتیجه گرفت که با مداخله در خانواده می‌توان مشکلات و بیماری‌های افراد خانواده را به طور معناداری کاهش داد.

با توجه به بیان مسئله، پژوهش‌ها نشان داده بودند که بین تاب‌آوری، تنظیم هیجانی و جو عاطفی خانواده ارتباط وجود دارد، بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط جو عاطفی خانواده با خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری بود. این پژوهش دارای سه فرضیه بود که به شرح زیر است؛

فرضیه اول: بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن و خود تنظیمی هیجانی و مولفه های آن رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه های آن و تاب‌آوری رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: جو عاطفی خانواده می‌تواند خودتنظیمی هیجانی و تاب آوری را پیش‌بینی کند

## روش

با توجه به ماهیت موضوع و اهدافی که تحقیق دنبال می‌کرد، پژوهش حاضر از نظر روش تحقیق یک تحقیق توصیفی از نوع همبستگی محسوب می‌شود و از حیث هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار دارد که در آن

[1] Amatea, Smith-Adcock, & Villares

[2] Pölkki, Ervast, & Huupponen



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

رابطه خود تنظیمی هیجانی و تاب‌آوری با جو عاطفی خانواده در دانشجویان بررسی شد.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل دانشجویان مشغول به تحصیل سال ۱۳۹۶-۹۷ دانشگاه آزاد مشهد بود. تعداد این دانشجویان حدود ۱۲ هزار نفر بود. دامنه سنی دانشجویان مورد مطالعه بین ۱۸ تا ۳۰ سال بود و همچنین مقطع تحصیلی آن‌ها کارشناسی و کارشناسی ارشد بود. در این پژوهش با توجه به حجم بزرگ جامعه آماری دانشجویان از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بر اساس دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، علوم مهندسی، علوم تربیتی و علوم پزشکی استفاده شد. حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از نرم افزار G-power، ۱۵۰ نفر به دست آمد. ولی برای جلوگیری از ریزش داده‌ها و رسیدن به جامعه‌ی دلخواه در نهایت ۱۷۰ پرسشنامه توزیع گردید. دلایل انتخاب روش نمونه‌گیری طبقه‌ای شامل: هزینه اجرا، بالا رفتن سرعت پژوهشگر، کسب برآوردهای متنوع از پارامترهای جامعه برای هر طبقه و دقت بالا در شناسایی تغییر پذیری هر طبقه نسبت به جامعه، بود. ملاک‌های ورود شامل، سن ۱۸-۳۰، دانشجو بودن، دانشجوی دانشگاه آزاد مشهد، بود و ملاک‌های خروجی شامل، عدم تطابق سنی با دامنه سنی، عدم دانشجو بودن در دانشگاه آزاد مشهد و تکمیل ناقص پرسشنامه ها، بود.

پرسشنامه‌های این پژوهش که حاوی نکات لازم در خصوص پژوهش، محرمانه بودن اطلاعات شخصی آزمودنی‌ها و مشخصات فردی بود به تعداد مورد نیاز تهیه و تکثیر گردید. سپس با اخذ مجوزهای لازم برای اجرای پژوهش به همراه احتساب حجم نمونه، تعداد ۱۷۰ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع گردید.

## ابزار

***پرسشنامه جو عاطفی خانواده:*** این مقیاس توسط هیل برن (۱۹۶۴) به منظور سنجش میزان مهرورزی در تعاملات کودک- والدین ساخته شده است. این مقیاس دارای ۸ خرده مقیاس (محبت، نوازش کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق، اعتماد و احساس امنیت)، است. کل مقیاس جو عاطفی خانواده شامل ۱۶ سؤال است که هر دو سؤال دربرگیرندهٔ یک خرده مقیاس است. سؤال‌های فرد مربوط به رابطه احساس آزمودنی نسبت به پدر و سؤال‌های زوج بیانگر همان رابطه و احساس نسبت به مادر است. همچنین، پاسخنامه این مقیاس پنج گزینه‌ای از پاسخ‌های خیلی کم، کم، در حد متوسط، زیاد، خیلی زیاد، تشکیل‌شده است که آزمودنی بر حسب احساس خود یکی از آن‌ها را علامت می‌زند. آلفای کرنباخ این پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است (رشیدی پور، تبریزی، شفیع آبادی، ۱۳۹۱). ضریب پایایی این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۹۳ و در حد قابل قبول است.

***پرسشنامه خودتنظیمی هیجانی:*** پرسشنامه خودتنظیمی هیجانی[1] هافمن[2] و کاشدان[3] (۲۰۱۰) شامل ۲۰ سؤال است؛ که پاسخگویی به آن‌ها بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از طیف بی‌نهایت در مورد من درست است تا اصلاً در مورد من درست نیست را شامل می‌شود. پرسشنامه مزبور پس از ترجمه، از نظر روایی محتوایی در اختیار متخصصان روانشناسی مربوطه قرار گرفت و روایی محتوایی آن تائید شد. پرسشنامه دارای سه مؤلفه یا خورده مقیاس پنهان‌کاری، سازش‌کاری و تحمل است

[1] emotional self-regulation
[2] Hofmann
[3] Kashdan



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

که به ترتیب ۸، ۷ و ۵ سؤال دارند. پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های پنهان‌کاری، سازش‌کاری و تحمل به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۵ و ۰/۵۰ و پایایی کل برابر ۰/۸۱ گزارش شده است. ضریب پایایی این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۲۷ و در حد قابل قبول است.

***پرسش‌نامه تاب‌آوری:*** این پرسشنامه را کانر و دیویدسون ۲۰۰۳ مورد تهیه قرار دادند، پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) و پنج (همیشه درست) نمره گذاری می‌شود. سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی روایی و پایایی این مقیاس را در فرهنگ ایرانی بررسی و با استفاده از روش تحلیل عوامل، روایی آن را تأیید بود. همچنین، ضریب پایایی مقیاس مذکور، با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۶ گزارش شده است. ضریب پایایی این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۸۲ و در حد قابل قبول است.

## یافته‌ها

نرم افزار مورد استفاده در این پژوهش SPSS نسخه ۲۲ بود. با توجه به یافته‌های توصیفی مشخصات دموگرافیکی شرکت‌کنندگان، میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۳/۶۱ با انحراف معیار ۶/۰۸ بود که. ۵۰/۷ درصد از شرکت‌کنندگان مذکر بودند و ۴۸/۷ درصد از شرکت‌کنندگان مؤنث بودند.، ۸۱/۳ درصد از شرکت‌کنندگان دارای مدرک لیسانس بوده و ۱۷/۳ درصد از آن ها دارای مدرک فوق لیسانس بودند. از لحاظ شغلی، ۷۲/۷ درصد از شرکت‌کنندگان شاغل و ۲۶/۷ درصد آن‌ها بیکار بودند. همچنین، ۷۶/۰ درصد مجرد و ۲۳/۳ درصد متأهل بودند. جدول ۱ نشان‌دهنده شاخص‌های توصیفی جو عاطفی خانواده است.

**جدول ۱ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش**

| متغیر | میانگین/انحراف معیار |
|---|---|
| **محبت** | ۱/۹۳ / ۷/۶۷ |
| **نوازش** | ۲/۱۰ / ۶/۴۰ |
| **تائید کردن** | ۱/۷۸ / ۶/۷۳ |
| **تجربه‌های مشترک** | ۲/۳۴ / ۶/۰۹ |
| **هدیه دادن** | ۲/۳۰ / ۶/۴۷ |
| **تشویق کردن** | ۲/۱۶ / ۶/۹۱ |
| **اعتماد** | ۲/۱۸ / ۷/۳۰ |
| **احساس امنیت** | ۱/۹۴ / ۷/۷۴ |
| **مادر-فرزندی** | ۷/۳۰ / ۲۶/۱۴ |
| **پدر-فرزندی** | ۶/۵۵ / ۲۹/۱۹ |
| **نمره کل جو عاطفی خانواده** | ۱۲/۲۰ / ۵۵/۳۵ |
| **سازگاری** | ۵/۳۴ / ۲۲/۳۴ |
| **پنهان‌کاری** | ۴/۹۸ / ۲۱/۹۹ |
| **تحمل** | ۲/۶۰ / ۱۲/۲۲ |



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

| | |
|---|---|
| **نمره کل خودتنظیمی هیجانی** | ۱۱/۳۶ / ۶۲/۶۸ |
| **تاب‌آوری** | ۱۵/۳۳ / ۵۹/۸۴ |

فرضیه اول: بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن و خودتنظیمی هیجانی و مؤلفه‌های آن رابطه وجود دارد.

**جدول ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین خودتنظیمی هیجانی و جو عاطفی خانواده**

| متغیر | سازگاری | پنهان‌کاری | تحمل | نمره کل خودتنظیمی هیجانی |
|---|---|---|---|---|
| **محبت** | ۰/۰۴۸ | -۰/۰۰۲ | -۰/۰۲۱ | -۰/۰۳۶ |
| **نوازش** | ۰/۰۷۱ | -۰/۰۷۶ | -۰/۱۱۳ | -۰/۰۵۵ |
| **تائید کردن** | **۰/۲۰۸ | -۰/۰۰۵ | -۰/۰۲۲ | ۰/۱۰۹ |
| **تجربه‌های مشترک** | *۰/۱۶۳ | *-۰/۲۰۸ | -۰/۰۵۱ | -۰/۰۳۱ |
| **هدیه دادن** | ۰/۰۶۳ | *-۰/۱۸۳ | *-۰/۲۲۳ | -۰/۱۴۰ |
| **تشویق کردن** | ۰/۱۳۱ | -۰/۱۲۵ | -۰/۱۲۴ | -۰/۰۱۸ |
| **اعتماد** | *۰/۱۶۶ | -۰/۰۵۷ | -۰/۱۰۸ | ۰/۰۲۷ |
| **احساس امنیت** | ۰/۰۱۶ | *-۰/۱۸۵ | -۰/۱۴۳ | -۰/۱۴۹ |
| **مادر-فرزندی** | *۰/۱۶۴ | -۰/۱۲۱ | -۰/۱۲۱ | -۰/۰۱۵ |
| **پدر-فرزندی** | ۰/۰۹۸ | -۰/۱۳۹ | -۰/۱۲۲ | -۰/۰۷۵ |
| **نمره کل جو عاطفی خانواده** | ۰/۱۴۹ | -۰/۱۵۰ | -۰/۱۴۲ | -۰/۰۵۴ |

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین تجربه‌های مشترک، اعتماد، مادر-فرزندی و مقیاس سازگاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (P<۰/۰۵)، همچنین، بین تائید کردن و مقیاس سازگاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (P<۰/۰۱). آزمون همبستگی پیرسون نشان داد، بین تجربه مشترک، هدیه دادن، احساس امنیت و مقیاس پنهان‌کاری ارتباط منفی و معناداری وجود دارد (P<۰/۰۵). همچنین یافته ها نشان داد، بین هدیه دادن و مقیاس تحمل ارتباط منفی و معناداری وجود دارد (P<۰/۰۵). با این حال بین نمره کل خودتنظیمی هیجانی و جو عاطفی خانواده و زیرمقیاس های ارتباطی وجود نداشت (P>۰/۰۵).

فرضیه دوم: بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن و تاب‌آوری رابطه وجود دارد.

**جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین تاب‌آوری و جو عاطفی خانواده**

| متغیر | محبت | نوازش | تائید کردن | تجربه های مشترک | هدیه دادن | تشویق کردن | اعتماد | احساس امنیت | مادر-فرزندی | پدر-فرزندی | نمره کل جو عاطفی خانواده |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| **تاب‌آوری** | ۰/۱۲۶ | -۰/۰۴۲ | ۰/۱۵۶ | ۰/۱۶۶ * | ۰/۱۴۵ | ۰/۱۹۰ * | ۰/۲۵۲ ** | ۰/۰۸۶ | ۰/۱۶۱ | ۰/۱۶۸ * | ۰/۱۸۷ * |



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

*$P<۰/۰۵$

جدول ۳ نشان دهنده ضریب همبستگی بین تاب آوری و جو عاطفی خانواده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین تجربه‌های مشترک، تشویق کردن، پدر-فرزندی، نمره کل جو عاطفی خانواده و تاب‌آوری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد ($P<۰/۰۵$)، همچنین بین اعتماد و تاب‌آوری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد ($P<۰/۰۱$).

*فرضیه سوم: جو عاطفی خانواده می‌تواند خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری را پیش‌بینی کند.*

جهت بررسی پیش‌بینی خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری بر اساس جو عاطفی خانواده از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. شاخص‌های مورد بررسی در تحلیل رگرسیون چند متغیره شامل، اندازه F، مجموع مجذورات، $R^2$ اصلاح شده و سطح معناداری است. روش به‌کارگیری این آزمون با توجه به مدل General Linear Model بود.

**جدول ۴ پیش‌بینی خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری با توجه به جو عاطفی خانواده**

| شاخص | مجموع مجذورات | درجه آزادی | F | معناداری | $R^2$ |
|---|---|---|---|---|---|
| **خودتنظیمی هیجانی** | ۵۴/۰۱ | ۱ | ۰/۴۲۲ | ۰/۵۱۷ | ۰/۰۰۳ |
| **تاب‌آوری** | ۱۲۱۰/۶۸ | ۱ | ۵/۲۶۸ | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۳۵ |

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، جو عاطفی خانواده توانست ۳ درصد از واریانس تاب‌آوری را در سطح معناداری تبیین کند ($P<۰/۰۵$). با این حال این تبیین برای خودتنظیمی هیجانی معنادار نبود؛ بنابراین فرضیه اصلی پژوهش به صورت نسبی موردحمایت قرار می‌گیرد.

## بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط جو عاطفی خانواده با تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی بود. جهت بررسی هدف پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. در این بخش به بررسی مجزای هر سه فرضیه پژوهش پرداخته شده است.

فرضیه اول: بین جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن و خودتنظیمی هیجانی و مؤلفه‌های آن رابطه وجود دارد.

نتایج نشان داد، بین تجربه‌های مشترک، اعتماد، مادر-فرزندی و مقیاس سازگاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، همچنین، بین تائید کردن و مقیاس سازگاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نشان داد، بین تجربه مشترک، هدیه دادن، احساس امنیت و مقیاس پنهان‌کاری ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد، بین هدیه دادن و مقیاس تحمل ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. بااین‌حال بین نمره کل جو عاطفی خانواده و نمره کل خودتنظیمی هیجانی ارتباط معناداری وجود نداشت.



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

یافته‌های این فرضیه با پژوهش‌های، حسینی و سامانی (۱۳۹۱)، تروسپر، بازلا، بنت و اهرنریچ (۲۰۰۹)، اسپینارد، استیفتر، دونلاند-مکال و ترنر[1] (۲۰۰۴) و ایسنبرگ[2] و همکاران (۲۰۰۳) همسو است. تروسپر، بازلا، بنت و اهرنریچ (۲۰۰۹) نشان دادند بین جو خانوادگی و تنظیم هیجانی ارتباط وجود دارد. همچنین آن ها نتیجه کردند که می‌توان با توجه به جو عاطفی خانواده و آموزش‌های مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی، عملکرد فرد را افزایش داد و همچنین می‌توان از اختلالات روانی همچون اضطراب و استرس پیشگیری کرد. همچنین، ایسنبرگ و همکاران (۲۰۰۳) پژوهشی را با هدف بررسی روابط هیجانی خانواده، تنظیم هیجان کودک و عملکرد اجتماعی آن ها انجام دادند. نمونه مورد بررسی آن ها شامل ۲۰۸ نفر کودک بود. یافته ها نشان داد هیجان‌های درون خانوادگی با خودتنظیمی هیجانی مرتبط است.

تفاوت اصلی که بین پژوهش‌های پیشین و پژوهش حاضر وجود دارد، تفاوت در تمرکز بر متغیرهای پژوهش است. همان‌طور که ذکر شد، پژوهش‌های پیشین با اینکه جو خانوادگی و کارکردهای خانوادگی را بررسی کرده‌اند، اما به طور دقیق ارتباط بین مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده و خودتنظیمی هیجانی را مورد بررسی قرار نداند. همچنین، ابزارهای مورد استفاده در پژوهش‌های پیشین با پژوهش حاضر متفاوت بود. با این حال، از حیث هدف پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین دارای همگنی و همسویی است.

یافته‌های پژوهش گویای آن است که با کسب اعتماد بین فرزند و والدین و ایجاد اشتراکات بین آن‌ها می‌توان باعث افزایش سازگاری شد. در واقع، زمانی که اعتماد بین والدین و فرزندان وجود داشته باشد نه تنها باعث افزایش اعتماد به نفس در فرزند می شود بلکه باعث افزایش سازگاری بالاتر می شود. پژوهش‌ها در این راستا نشان داده‌اند که روابط بین والد-فرزند باعث افزایش سازگاری بین فردی می‌شود (مک کابی[3] و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهشگران اعتقاد دارند، جو مسالمت‌آمیز و آرامش‌بخش در خانواده باعث افزایش هیجانات مثبت می‌شود و در نتیجه هیجانات مثبت باعث روابط بهتر بین افراد خانواده می‌شود. بر همین اساس سازگاری بالاتر خواهد رفت (وچینیچ، هترینگتون، وچینیچ و کلینگمپل[4]، ۱۹۹۱).

همچنین، وقتی پاداش دهی و هدیه دادن در خانواده بیشتر شود، باعث کاهش پنهان‌کاری بین اعضای خانواده می‌شود. تحقیقات نشان دهنده ارتباط بین پاداش در خانواده و کاهش مشکلات بین فردی است. به عنوان مثال، هرو[5] (۲۰۰۰) اعتقاد دارد، سیستم خانواده، به عنوان زمینه ای که در آن افراد وجود دارند، یک محیط میانجی برای مراقبت و پاداش دهی مثبت است. ارزیابی خانواده، از جمله اندازه‌گیری میزان حمایت خانواده، بخش مهمی از زندگی یک فرد به ویژه کودکان و نوجوانان است. توانایی خانواده برای انطباق در طول زمان، اندازه‌گیری توانایی آن در حل مشکلات است. در نتیجه، سیستم خانواده پاداش‌دهنده با مشکلات کمتر مرتبط است.

در واقع، بدون وجود هیجان‌های مختلف، زندگی نیز فاقد معنی و زیبایی، حس، غنا، شادی و ارتباط با دیگران خواهد بود. هیجان‌ها مطالبی را درباره نیازها، ناکامی‌ها و حقوق در اختیار افراد قرار می‌دهند و موجبات انگیزه

[1] Spinrad, Stifter, Donelan-McCall, & Turner
[2] Eisenberg
[3] McCabe
[4] Vuchinich, Hetherington, Vuchinich, & Clingempeel
[5] Heru



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

لازم برای تغییر و گریز از موقعیت‌های دشوار را فراهم می‌کنند به‌گونه‌ای که افراد درمی‌یابند در چه مواقعی احساس رضایت‌مندی کنند. درنتیجه، جو خانواده‌ای که به صورت عاطفی از نوع مثبت را دارا باشد، افراد عضو آن نیز هیجانات مثبت خواهند داشت و در نتیجه باعث سازگاری بالاتر و تنظیم هیجانات بهتر خواهد شد.

فرضیه دوم: جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن و تاب‌آوری رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان داد، بین تجربه‌های مشترک، تشویق کردن، پدر-فرزندی، نمره کل جو عاطفی خانواده و تاب‌آوری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، همچنین بین اعتماد و تاب‌آوری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با مطالعات، فاچ-برکرتس و بیردسله [1] (۲۰۰۰)، توگاده، فریدیریکسون و فلدمن بارت [2] (۲۰۰۴)، آماتیا، اسمیت-آدکوک و ویلارس (۲۰۰۶)، عباسی، درگاهی، کریمی و درگاهی (۱۳۹۳) و خداجوادی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. به عنوان مثال، آماتیا، اسمیت-آدکوک و ویلارس (۲۰۰۶) پژوهشی را با هدف بررسی نقاط ضعف و قوت خانواده در تبیین تاب‌آوری در کودکان خانواده انجام دادند. آن ها در پژوهش خود گزارش کردند نقص خانوادگی می‌تواند تاب‌آوری را کاهش دهد. در واقع نتایج آن ها گویای این بود که خانواده و جو عاطفی آن مکانی است جهت آماده سازی کودکان برای رو به رو شدن با چالش‌های آینده آن‌ها.

تفاوتی که بین پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین وجود دارد از حیث ابزار و هدف است. پژوهش‌هایی که اشاره شد عمدتاً بر روی کودکان صورت گرفته است. همچنین، پژوهش‌های قبلی کارکرد خانواده و اثر آن را در کوتاه مدت مورد بررسی قراردادند، درحالی که پژوهش حاضر جو خانوادگی را در بزرگ‌سالی و به صورت اثر بلند مدت مورد بررسی قرار داد. همچنین، ابزارهایی که در پژوهش های پیشین مورد استفاده قرار گرفت در متغیر جو عاطفی کاملاً متفاوت بوده، در حالی که این پژوهش از پرسشنامه جو عاطفی خانواده استفاده کرده است؛ بنابراین تفاوت کلی بین یافته این پژوهش و پژوهش‌های پیشین نشان دهنده نوآوری این پژوهش است.

بر اساس شواهد، پژوهش‌های پیشین نشان دهنده نقش اساسی خانواده و جو عاطفی خانواده در شکل گیری بهتر تاب‌آوری در جوانان است. خانواده می‌تواند بین افراد پیوندهای ناگسستنی ایجاد کند. دل‌بستگی به پدر و مادر و همشیرها غالباً به‌صورت مادام‌العمر است و این روابط، به عنوان الگو برای روابط در دنیای بزرگ‌تری چون محله، مدرسه و اجتماع عمل می‌کنند. در واقع جو عاطفی خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین رکن های تحول کودکان می تواند بر جنبه های رشدی-تحولی به ویژه افزایش تاب‌آوری در موقعیت‌های استرس زا نقش بسزایی داشته باشد؛ یعنی اینکه، فرد ظرفیتی برای مقاومت در برابر استرس و فاجعه دریافت می کند و در نهایت می تواند به تنهایی با مشکلات استرس زای زندگی مقابله کند.

عوامل خانوادگی در برگیرنده پیوستگی و انسجام خانوادگی، میزان احساس نزدیکی و صرف وقت اعضا با یکدیگر، داشتن توقعات بالا و همچنین کمک به نوجوانان برای اجتناب از بروندادهای منفی است. ورنر (۱۹۸۴) بیان می‌کند که پیوستگی‌های عمیق خانوادگی به

[1] Focht-Birkerts, & Beardslee
[2] Tugade, Fredrickson, & Feldman Barrett



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

فرزندان در معرض خطر کمک می‌کند تا باور کنند که زندگی با معنی است و آن ها بر زندگی خودشان کنترل دارند. این احساس معنی داری یک انگیزه قوی برای کودکان و نوجوانان تاب آور می شود (به نقل از آگنج، ۱۳۹۰).

پینکوارت (۲۰۰۸) بیان می‌کند، تاب‌آوری از مشکلات روان‌شناختی در جوانان و نوجوانان پیشگیری می‌کند و از آن‌ها در برابر تأثیرات روان‌شناختی حوادث مشکل‌زا محافظت می‌کند (به نقل از حمید، کیخسروانی، بابامیری و دهقانی، ۱۳۹۱). در واقع، روابط خانوادگی که از ابتدای تولد تا دوران بزرگ‌سالی وجود دارد، می‌تواند با سازگاری و تاب‌آوری در موقعیت‌های مختلف مرتبط باشد. زمانی که خانواده از تشویق استفاده می‌کند به فرزندان و اعضای خانواده حس مثبت القا می‌شود و زمانی که از تنبیه استفاده می‌شود به اعضای خانواده حس منفی القا می‌گردد؛ بنابراین، وقتی در یک خانواده از تشویق بجای تنبیه استفاده شود، اعضای آن خانواده یاد می‌گیرند که در موقعیت‌های سخت و دشوار خود را سرزنش نکنند و تاب آور باشند. در نتیجه، توجه مثبت به ویژگی‌های مثبت در خانواده می‌تواند با تاب‌آوری مرتبط باشد.

همچنین، تجربیات مشترکی که بین اعضای خانواده وجود دارد، مانند باهم غذا خوردن، باهم بیرون رفتن و باهم صحبت کردن، دیگر مؤلفه‌ای است که جو عاطفی مثبتی را در خانواده می‌سازد و باعث می‌شود افراد و اعضای آن خانواده به دلیل تجربه مشترک، تاب‌آوری بالاتری را کسب کنند؛ بنابراین، با ارتباطی که بین تاب‌آوری و جو عاطفی خانواده برقرار است می‌توان نتیجه گرفت که این ارتباط هرچه بیشتر باشد و تاب‌آوری بالاتر بشود باعث خواهد شد که جوانان کمتر دچار مشکلات روان‌شناختی شوند.

فرضیه سوم: جو عاطفی خانواده می‌تواند خودتنظیمی هیجانی و تاب‌آوری را پیش‌بینی کند.

یافته‌ها نشان داد، جو عاطفی خانواده می‌تواند ۳ درصد از واریانس تاب‌آوری را در سطح معناداری تبیین کند، با این حال این تبیین برای خودتنظیمی هیجانی معنادار نبود. یافته‌های فرضیه اصلی در بخش اینکه جو عاطفی می‌تواند پیش‌بینی کننده تاب‌آوری باشد با پژوهش‌های، فاچ-برکرتس و بیردسله (۲۰۰۰)، ایساکسون (۲۰۰۲)، توگاده، فریدیریکسون و فلدمن بارت (۲۰۰۴)، آماتیا، اسمیت-آدکوک و ویلارس (۲۰۰۶)، کیلیک، وار و کوماناداس (۲۰۱۵)، عباسی، درگاهی، کریمی و درگاهی (۱۳۹۳) و خداجوادی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. همچنین، در بخش اینکه جو عاطفی می‌تواند پیش‌بینی کننده خودتنظیمی هیجانی باشد، یافته پژوهش حاضر با پژوهش‌های حسینی و سامانی (۱۳۹۱)، تروسپر، بازلا، بنت و اهرنریچ (۲۰۰۹)، اسپینارد، استیفتر، دونلاند-مکال و ترنر (۲۰۰۴) و ایسنبرگ و همکاران (۲۰۰۳) نا همسو است.

با این حال تفاوت عمده ای بین پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین از حیث روش و هدف وجود داشته است. اولین تفاوت از حیث هدف است؛ پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی با توجه به متغیر جو عاطفی خانواده صورت گرفت. درحالی که پژوهش‌های پیشین با هدف بررسی همبستگی بین این دو متغیر انجام شده بود. همچنین از حیث روش‌شناسی، تفاوتی که بین پژوهش حاضر و پژوهش های یاد شده وجود دارد بر این قرار است که؛



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

پژوهش‌های پیشین از روش همبستگی و توصیفی استفاده کرده بودند و از نظر ابزاری تفاوت زیادی بین پژوهش حاضر و آن ها وجود داشت. در پژوهش حاضر جهت بررسی جو عاطفی خانواده از پرسشنامه هیل برن استفاده شد درحالی که پژوهش های قبلی بیشتر تمرکز بر پرسشنامه های کارکردی در خانواده داشتند.

بر اساس شواهد پژوهشی، خانواده با دیگر حوزه‌های زیست-بومی همچون، مدرسه، دانشگاه، بافت اجتماعی، همسالان، در تعامل است. رفتار جوان نیز تحت تأثیر تعامل این حوزه‌ها و سیستم خانواده قرار می‌گیرد. ارتباط این حوزه‌ها یک مسیر آسیب‌شناختی برای کاهش تاب‌آوری ایجاد می‌کند. اگر خانواده کارآیی لازم را داشته باشد و جو عاطفی مثبتی ایجاد کند، می تواند پیش بینی کننده افزایش تاب‌آوری جوان بشود.

به نظر می‌رسد، در خانواده‌ای که کارکرد ایفای نقش به خوبی اعمال می‌گردد، اعضاء از مشارکت خوبی برخوردارند، وقتی به اعضاء مسئولیت ایفای نقش داده می‌شود، پیامی که داده می‌شود این است که آن‌ها ارزشمندند و قادرند به عنوان یک عضو خانواده در امور مشارکت نمایند. مشارکت باعث می شود که اعتماد به نفس و عزت نفس افزایش یابد و در نتیجه باعث رشد تاب‌آوری فرزندان شود. در نتیجه زمانی که کارکرد خانواده و ایفای نقش‌ها به درستی و به صورت مثبت باشد، تاب آوری اعضای خانواده بالا می‌رود.

در واقع، سلامت سیستم خانواده از دیدگاه مینوچن و فیشمن[1] (۲۰۰۹) با ایجاد اشتراکات در خانواده مرتبط است. زمانی که اعضای خانواده اشتراکات زیاد تری داشته باشند، سلامت و سازگاری آن‌ها بالاتر می‌رود. به عنوان مثال، سر یک میز نشستن زمان خوردن غذا، باعث می‌شود تا عقاید و نگرش‌ها بین اعضای خانواده به اشتراک گذاشته شود. در این زمینه والش (۲۰۱۵) اعتقاد دارد، سیستم خانواده‌ای که بیشتر با یکدیگر عقاید و نگرش‌های خود را به اشتراک می‌گذارند، خانواده‌هایی سالم تر هستند.

همچنین، از لحاظ رشدی، پژوهشگران اعتقاد دارند خانواده و جو عاطفی خانواده اثر بلند مدتی بر سلامت روانی و ویژگی های روان شناختی اعضای آن می گذارد. به عنوان مثال، شوارتز[2] و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند، نه تنها خانواده اثر کوتاه مدت بر فرزندان آن دارد بلکه اثر بلند مدتی در دوران های بعدی تحول بر اعضای آن و فرزندان خواهد داشت. به نظر می‌رسد که خانواده‌ای که جو عاطفی مثبت‌تری داشته باشد یعنی، هدیه دادن، محبت کردن، اعتماد کردن در آن خانواده بیشتر باشد، باعث افزایش تحمل و تاب‌آوری در مقابل مشکلات پیش رو همچون مشکلات اجتماعی، دانشگاهی و تحصیلی برای جوان خواهد شد.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر همچون دیگر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بود. این محدودیت‌ها شامل، عدم نمونه‌گیری تصادفی و جمع‌آوری داده ها از طریق ابزار خود گزارشی بود که این مسئله قابلیت اعتماد به نتایج را کاهش می‌دهد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش های آتی، نمونه گیری به صورت تصادفی صورت بگیرد تا استقلال هر فرد رعایت شود. همچنین، پیشنهاد می شود که پژوهشی در راستای بررسی اثرات

[1] Fishman

[2] Schwartz



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

بلند مدت جو عاطفی خانواده بر تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی در قالب روش طولی انجام شود. به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد، جو عاطفی خانواده می تواند تاب آوری را پیش بینی کند، با این حال این تبیین برای خودتنظیمی هیجانی معنادار نبود.

## سپاسگزاری

پژوهش حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره دانشگاه آزاد واحد نیشابور بود همچنین، هیچ‌گونه تضاد منافع بین نویسندگان وجود نداشت.

## Refrences

Abbasi, M., Dargahi., S., Karimi, K., Dargahi, A. (2015). Family relationship, life quality and Resilience in students with Attention deficit / hyperactivity disorder and Normal Students. Journal of Health Breeze, 3(1), 12-20. (in Persian)

Agang, N. (2011). Validity and Reliability of the Persian Version of Protective Factors IPFI. Master's Thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. (in Persian)

Amatea, E., Smith-Adcock, S., & Villares, E. (2006). From Family Deficit to Family Strength: Viewing Families' Contributions to Children s Learning from a Family Resilience Perspective. Professional School Counseling, 9(3), 177-189.

Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson resilience scale (CD-RISC). Depression and Anxiety, 18, 76-82.

Eisenberg, N., Valiente, C., Morris, A. S., Fabes, R. A., Cumberland, A., Reiser, M., ... & Losoya, S. (2003). Longitudinal relations among parental emotional expressivity, children's regulation, and quality of socioemotional functioning. Developmental psychology, 39(1), 3.

Focht-Birkerts, L., & Beardslee, W. R. (2000). A chids experience of parental depression: Encouraging relational resilience in families with affective illness. Family process, 39(4), 417-434.

Gross, J. J. (1998). The Emerging Field of Emotion Regulation: An Integrative Review. Reviewe of General Psychology, 2, 3, 271-299.

Gross, J. J. (2002). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. Psychophysiology, 39(3), 281-291.

Heru, A. M. (2000). Family functioning, burden, and reward in the caregiving for chronic mental illness. Family, Systems, & Health, 18(1),91.

Hofmann, S. G., & Kashdan, T. B. (2010). The affective style questionnaire: development and psychometric properties. Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 32(2), 255-263.

Hosseini, N., Samani, S. (2012). A Study of the Relationship Between the Family Function Dimensions and Self-Regulation in Children. Journal of Family Research, 8(31), 305-317. (in Persian)

Houltberg, B. J., Henry, C. S., & Morris, A. S. (2012). Family interactions, exposure to violence, and emotion regulation: Perceptions of children and early adolescents at risk. Family Relations, 61(2), 283-296.

Khodajavadi, R., Aghabakhshi, H., Rafiei, H., Asghari, A., Bayan Memar, A., Abdi Zarin, S. (2011). The Relationship between Family Functioning and Resilience Against Substance Use in Male Students at High Risk High Schools. Social Welfare Quarterly, 11(41), 421-444. (in Persian)

Leahy, R.L., Tirch, D., Napolitano, L.A. (2011). Emotion regulation in psychotherapy: A practitioner's guide. Translated by Mansouri Rad, A in 2013. Tehran: Arjmand Publication. (in Persian)

Masten, A. S., Cutuli, J. J., Herbers, J. E., & Reed, M. G. (2009). 12 Resilience in Development. The Oxford handbook of positive psychology, 117.



[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]
[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]
[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]

tailoring approach to adapting parent child interaction therapy for Mexican Americans. Education and Treatment of Children, 111-129.

Minuchin, S., & Fishman, H. C. (2009). Family therapy techniques. Harvard University Press.

Minuchin, S., Reiter, M. D., & Borda, C. (2013). The craft of family therapy: Challenging certainties. Routledge.

Najarpoor Ostadi, S., Khadivi, A. (2008). Investigating the relationship between emotional atmosphere of the family and identity, self-concept and self-esteem of adolescents and youths aged 17-28 in Islamshahr. Educational Science. Education, 1(3), 81-102. (in Persian)

Najmeh, H., Keikhosravani, M., Babamiri, M., Dehghani, M. (2012). The relationship between mental health, spiritual intelligence with resiliency in student of Kermanshah University of Medical Sciences. Jentashapir Journal of Health Research, 3(2), 332-338. (in Persian)

Narimani, M., Abbasi, M. (2009). Investigating the relationship between psychological hardiness and self-esteem with burnout. Journal of Beyond Management, 2(8), 75-92. (in Persian)

Pölkki, P., Ervast, S. A., & Huupponen, M. (2005). Coping and resilience of children of a mentally ill parent. Social work in health care, 39(1-2), 151-163.

Raikes, H. A., & Thompson, R. A. (2006). Family emotional climate, attachment security and young children's emotion knowledge in a high risk sample. British Journal of Developmental Psychology, 24(1), 89-104.

Rashidpoor, H., Tabrizi, M., Shafiabadi, A. (2012). Effectiveness of parental group training with using Satir's family therapy approach on improvement of emotional condition of female students' families in secondary schools, district 2 in Kerman. Knowledge & Research in Applied Psychology, 13(3), 3-11. (in Persian)

McCabe, K. M., Yeh, M., Garland, A. F., Lau, A. S., & Chavez, G. (2005). The GANA program: A

Samani, S., Jookar, B,m Sahragard, N. (2007). Effects of Resilience on Mental Health and Life Satisfaction. Iraninan Psychiatry and Clinical Psychology, 13(3), 290-295. (in Persian)

Schwartz, S. J., Unger, J. B., Zamboanga, B. L., Cordova, D., Mason, C. A., Huang, S., … & Villamar, J. A. (2015). Developmental trajectories of acculturation: Links with family functioning and mental heath in recent-immigrant hispanic adolescents. Child development, 86(3), 726-748.

Spinrad, T. L., Stifter, C. A., Donelan- McCall, N., & Turner, L. (2004). Mothers' regulation strategies in response to toddlers' affect: Links to later emotion self- regulation. Social Development, 13(1), 40-55.

Trosper, S. E., Buzzella, B. A., Bennett, S. M., & Ehrenreich, J. T. (2009). Emotion regulation in youth with emotional disorders: Implications for a unified treatment approach. Clinical Child and Family Psychology Review, 12(3), 234-254.

Tugade, M. M., Fredrickson, B. L., & Feldman Barrett, L. (2004). Psychological resilience and positive emotional granularity: Examining the benefits of positive emotional on coping and health. Journal of personality, 72(6), 1161-1190.

Vuchinich, S., Hetherington, E. M., Vuchinich, R. A., & Clingempeel, W. G. (1991). Parent-child interaction and gender differences in early adolescents' adaptation to stepfamilies. Developmental Psychology, 27(4),618.

Walsh, F. (2015). Strengthening family resilience. Guilford Publications.

[ Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14 ]

[ DOR: 20.1001.1.25886657.1398.6.1.6.6 ]

[ DOI: 10.29252/shenakht.6.1.49 ]